

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

التحليل الصرفي و الاعراب و التشكيل

التحليل الصرفي

منظور از تحلیل صرفی بررسی ویژگی های فردی کلمه ، جدای از نقشی است که در عبارت می پذیرد . برای این منظور اول باید نوع کلمه (اسم ، فعل و حرف) مشخص شود .

اسم :

کلمه ای است که معنی مستقل دارد ولی زمان ندارد. مانند : طالب، علیّ، رجل ، انت ، هذا ، الذّین ، ذهاب ، تعلیم ...

فعل :

کلمه ای است که دارای معنی مستقل همراه زمان معین (گذشته ، حال ، آینده) است . مانند : كَتَبَ ، كَاتَبَ يَكْتُبُ ، يُكَاتِبُ ، أَكْتُبُ ، كَاتِبٌ . . .

حرف :

کلمه ای است که معنی مستقل ندارد. مانند : ال ، في ، مِنْ ، الی، إِنَّ ، لم ، لا ، و ، یا ، الآ...
برای تحلیل صرفی اسم موارد زیر را به ترتیب می نویسیم:

۱- عدد اسم (مفرد ، مثنی ، جمع)

اسم مفرد بر یک شخص یا یک چیز دلالت می کند و علامت خاصی ندارد. کتاب ، معلّم ، طالبة...
اسم مثنی بر دو شخص یا دو چیز دلالت می کند و علامت آن «ان» «ین» مانند: معلّمان و معلّمین
جمع : اسمی است که بر بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت می کند و اقسامی دارد:

الف: جمع مذکر سالم: علامت جمع مذکر سالم «وَن» «یَن» می باشد.

ب: جمع مؤنث سالم: علامت جمع مؤنث سالم «ات» زائد می باشد. مانند : معلّمات، کلمات ، إقدمات....

ج: جمع تکسیر(مکسر): این جمع علامت خاصی ندارد و با تغییر شکل مفرد آن به دست می آید. مانند: علماء ، مدرّس، أقلام ... جمع علیم ، مدرّسة ، قلم

۲- جنس اسم (مذکر ، مؤنث)

اسم مذکر علامت خاصی ندارد ولی اسم مؤنث معمولاً علامت دارد.

علامت های تأنیث:

- تاء گرد: معلّمة، مؤمنة ، شجرة...

- الف مقصوره (الف تنها): کبری ، دنیا، عظمی...

- الف ممدوده(الف و همزه) : زهراء ، صحراء ، خضراء...

بعضی از اسم های مؤنث نشانه ندارند که به آن ها **مؤنث معنوی** می گویند.

مانند: أمّ ، بنت، أخت، مریم ، زینب.....

بعض از اعضای زوج بدن: يد ، رجل (پا)، عین، أذن

اسامی شهرها و کشورها: ایران ، اصفهان

بعضی از اسامی مانند: نفس، ارض، شمس، نار، حرب، دار، ریح ، جهنم...

نکته: برای جمع های غیر عاقل (غیر انسان) قاعده معمولاً به صورت **مفرد مؤنث** به کار می رود ولی در تعیین مذکر و مؤنث بودن آن ها شکل مفرد آن ها را ملاک قرار می دهیم.

أَيَّامُ الدَّرَاسَةِ مِنَ الأَيَّامِ الجَمِيلَةِ. «الأيام»: جمع تكسير مفردة «يوم» و مذکر

۳- جامد و مشتق

اسم جامد از فعل ساخته نشده است.

اسم مشتق از فعل ساخته شده است.

تمام مصدر ها جامد هستند.

مشتقات عبارتند از:

- اسم فاعل: كَاتِبٌ ، نَاصِرٌ ، حُضَارٌ (جمع «حاضر») / مُجَاهِدٌ ، مُنْتَظِرٌ...

- اسم مفعول: مَكْتُوبٌ ، مَنصُورٌ ، مَشَاهِيرٌ (جمع «مشهور») / مُجَاهِدٌ ، مُنْتَظِرٌ...

- اسم زمان و اسم مكان: مَغْرِبٌ ، مَنزَلٌ ، مَسْجِدٌ ، مَعْبَدٌ ، مَطْلَعٌ ، مَدْرَسَةٌ ، مَشَاهِدٌ (جمع «مشهد»)...

- صفت مشبّهه (صفت ساده زبان فارسی): جَمِيلٌ ، عَزِيزٌ ، سَهْلٌ ، حَسَنٌ ، قَلِقٌ ، كَسْلَانٌ ، فُقَرَاءٌ (ج «فقير»)...

- اسم مبالغه: (دلالت بر زیادی صفت می کند.): عَفَّارٌ ، عَلَامٌ ، عَلَامَةٌ ، أَمَارَةٌ...

- اسم تفضیل: (بر برتری صفت دلالت می کند.) : مَذْكَرٌ بِرِوْزِ أَفْعَلٍ: أَكْبَرٌ ، أَحْسَنٌ ، أَعْظَمٌ ، أَعْلَى ، أَدْنَى ، آخِرٌ // مؤنث برونز فعلی: كُبْرَى ، حُسْنَى ، عَظْمَى ، عَلِيَا ، دُنْيَا ، أُخْرَى...

۴- معرب و مبني (مربوط به در هشتم کتاب)

اسم معرب اسمی است که اعراب (علامت حرف آخر) آن با توجه به تغییر نقش آن در عبارت تغییر می کند.

اسم مبني اسمی است که علامت حرف آخر آن با توجه به تغییر نقش آن در عبارت تغییر نمی کند.

اسم های مبني عبارتند از:

ضمیرها: هُوَ ، هِيَ ، أَنْتَ ، نَحْنُ ، هَا ، هِمَا ، كَأَنَّ ...

اسم های اشاره: هَذَا ، هَذِهِ ، ذَلِكَ ، تِلْكَ ، هَؤُلَاءِ ، أُولَئِكَ...

اسم های موصول: مَنْ ، مَا ، الَّذِي ، الَّذِينَ...

اسم های استفهام (پرسشی): مَنْ ، مَا ، كَيْفَ ، أَيْنَ ، مَتَى...

نکته ۱ - مثنای اسم های اشاره و موصول معرب هستند. هَذَا ، هَذِينَ ، هَاتَانِ ، هَاتَيْنِ ، هَاتَانِ ، هَاتَيْنِ ، هَاتَانِ ، هَاتَيْنِ...

نکته ۲ - اسم معرب قابلیت گرفتن «ال» و «تنوین» را دارد و مضاف واقع می شود.

برای تحلیل صرفی فعل به موارد زیر اشاره می کنیم.

۱- زمان (نوع) فعل [ماضی ، مضارع ، امر]

۲- صیغه ی فعل [غایب ، مخاطب ، متکلم]

۳- ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید

۴- معرب و مبني (مربوط به درس هشتم کتاب) [از میان فعلها فقط فعل مضارع معرب است غیر از صیغه هایی که نون جمع مؤنث داشته باشند.]

۵- لازم و متعدی [فعل لازم به مفعول به نیاز ندارد ولی فعل متعدی نیاز دارد]

برای تحلیل صرفی حرف باید به موارد زیر اشاره کنیم :

۱- نوع حرف

- حروف جر : فی ، من ، عن ، الی ، علی ، لی ، ی ، ک ، و ، ...
- حروف نفی : ما ، لا
- حروف استفهام : أ ، هل
- حروف استقبال : ساء ، سوف
- ...

۲- **عامل و غیر عامل** (حرف عامل حرفی است که در اعراب کلمه ی بعد از خود اثر بگذارد و آن را مجرور ، مجزوم و یا منصوب کند .

حروف جر و لا ی نهی عامل هستند .

۳- **نوع بنای حرف**: (مربوط به درس هشتم کتاب): تمام حروف مبنی هستند. مبنی بر ضم - مبنی بر فتح - مبنی بر کسر - مبنی بر سکون

نمونه هایی برای تحلیل صرفی

إِنْتَجِبْ يَا وُلْدِي . لَا تُفَكِّرْ فِي الثَّمَنِ .

إِنْتَجِبْ: فعل امر، للمخاطب، مزيد ثلاثي من باب افتعال ، مبنی ، متعدی

يا: حرف ، غیر عامل ، مبنی علی السکون

ولد: اسم ، مفرد، مذکر ، جامد، معرب

لا: حرف نفی ، غیر عامل ، مبنی علی السکون

تفکر: فعل مضارع(نهی) للمخاطب، مزيد ثلاثي من باب تفعيل ، معرب

في: حرف جر، عامل مبنی علی السکون

ال: حرف ، مبنی علی السکون

ثمن: اسم ، مفرد، مذکر، جامد، معرب

لقد نفد صبري:

ل: حرف ، غیر عامل ، مبنی علی الفتح

قد: حرف، غیر عامل، مبنی علی السکون

نفد: فعل ماضی، للغائب، مجرد ثلاثي ، مبنی، لازم

صبر: اسم، مفرد، مذکر، جامد، معرب

ي: ضمير متصل ، للمتكلم وحده

هؤلاء وجدوا السعادة في مساعدة الآخرين.

هؤلاء: اسم اشاره للقريب ، للجمع المذكر، مبنی علی الكسر

وجدوا: فعل ماضٍ، للغائبين، مجرد ثلاثي، مبني، متعدياً

ال: حرف، غير عامل، مبني على السكون

سعادة: اسم، مفرد، مؤنث، جامد، معرب

في: حرف جر، عامل، مبني على السكون

مساعدة: اسم، مفرد، مؤنث، جامد، معرب

ال: حرف، غير عامل، مبني على السكون

آخرين: اسم، جمع سالم للمذكر، مشتق (اسم تفضيل)، معرب

نعم! هو كافر بدين المرسلين.

نعم: حرف، غير عامل، مبني على السكون

هو: ضمير منفصل، للغائب، مبني على الفتح

كافر: اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم فاعل)، معرب

ب: حرف جر، عامل، مبني على الكسر

دين: اسم، مفرد، مذکر، جامد، معرب

ال: حرف، غير عامل، مبني على السكون

مرسلين: اسم، جمع سالم للمذكر، مشتق (اسم مفعول)، معرب

تمرين: ۱- غلط ها را در تحليل صرفی كلمات اصلاح كنيد:

المعلم يشرح للطلاب درساً جديداً.

ال: حرف، عامل، مبني على الكسر

معلم: اسم، مفرد، مؤنث، مشتق (اسم مفعول)، معرب

يشرح: فعل مضارع، للغائبة، مزيد ثلاثي، مبني، لازم

ل: حرف نفي، عامل، مبني على الفتح

طلاب: اسم جمع تكسير (مفردة طالبة)، جامد، معرب

درساً: اسم، مفرد، مذکر، مشتق، مبني

جديداً: اسم، مثنى، مذکر، جامد، معرب

الله أنزل القرآن لهداية البشر.

الله: اسم مفرد، مشتق، مبني

أنزل: فعل مضارع، للغائب، مجرد ثلاثي، مبني، لازم

ال: حرف، غير عامل، مبني على الفتح

قرآن: اسم، مفرد، مؤنث، مشتق، معرب

ل: حرف جر، غير عامل، مبني على الكسر

هداية: اسم، مفرد، مذکر، مشتق، معرب

بشر: اسم، مفرد، مذکر، مشتق، مبني

تمرین ۲- تحلیل صرفی کلمات را کامل کنید:

جاهد الكفّار و المنافقين.

جاهد : فعل ، للمخاطب ، ثلاثي ، ، متعدّ

ال : ، ، مبني على السكون

كفّار : ، جمع تكسير ، مفردة ، ، مشتق ، ،

و : حرف ، ، مبني على

منافقين : اسم ، جمع سالم ، مشتق اسم ، معرب

تمرین ۳- کلمات مشخص شده در عبارت های زیر را تحلیل صرفی کنید.

سَمِعَ الغزال الصَّغِيرَ كلامَ الاسدِ و الذئبِ.

استَكْبَرَ هو و جُنوده في الارضِ.

الإعراب (تركيب)

منظور از اعراب مشخص کردن نقش کلمه در جمله و اشاره به اعراب (رفع ، نصب ، جر ...) است.

برای مشخص کردن اعراب باید اول نوع جمله را مشخص کرد و سپس با ترجمه ی دقیق نقش کلمات آن را مشخص نمود.

انواع جمله ها

۱- جمله ی فعلیه:

ارکان جمله ی فعلیه:

فعل + فاعل + مفعول + سایر اجزای جمله

أقبل الطالبُ و استقبلهُ المُديرُ بحفاوةٍ.

أقبل: فعل و فاعل آن «الطالب» / **الطالبُ:** فاعل و مرفوع / **استقبل:** فعل و فاعل آن «المديرُ» / **ه:** مفعول به / **المديرُ:** فاعل و مرفوع /

حفاوة: مجرور به حرف جر ، **بحفاوة:** جار و مجرور

يذهب سعيدٌ الى المدرسة.

يذهب: فعل و فاعله «سعيد» / **سعيد:** فاعل و مرفوع / **مدرسة:** مجرور به حرف جر ، **الى المدرسة:** جار و مجرور

فاعل مرفوع (—) است. مفعول منصوب (—) است. اگر حرف جری قبل از اسمی قرار بگیرد آن اسم مجرور

(—) می شود.

معروفترین حروف جر عبارتند از: في ، من ، عن ، على ، الى ، لـ ، بـ ، كـ

جمله ی اسمیه: جمله ای است که دارای مبتدا و خبر می باشد.

مبتدا

اسمی است که غالباً در ابتدای جمله ی اسمیه قرار می گیرد و در باره ی آن خبری داده می شود. (مانند نهاد در زبان فارسی) مبتدا

مرفوع (—) است.

خبر

قسمتی از جمله ی اسمیه است که معمولاً بعد از مبتدا می آید و در باره ی آن خبری می دهد. خبر هم **مرفوع** است. در باره جمله های فعلیه و اسمیه در درسهای پایانی کتاب به طور مفصل صحبت خواهد شد.

پس در باره ی **اعراب یا ترکیب** به موارد زیر اشاره می کنیم:

- اشاره به فعل و فعل آن
- اشاره به فاعل و مرفوع بودن آن
- اشاره به مفعول و منصوب بودن آن
- اشاره به مجرور به حرف جر
- اشاره به مبتدا و خبر و مرفوع بودن آن ها

نمونه هایی برای اعراب (ترکیب)

هَيَّا الطَّالِبُ نَفْسَهُ لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

هَيَّا: فعل و فاعل آن «الطالب» و الجلة فعلية / **الطالب:** فاعل و مرفوع / **نفس:** مفعول به و منصوب / **للذهاب:** جار و مجرور / **إلى المدرسة:** جار و مجرور

نمونه های التحليل الصرفي و اعراب:

هو تلميذٌ في مدرستنا.

كلمه	التحليل الصرفي	الإعراب
هو	ضمير منفصل ، للغائب ، مبني على الفتح	مبتدأ و مرفوع
تلميذ	اسم ، مفرد، مذكر ، جامد، معرب	خبر و مرفوع
في	حرف جر، عامل ، مبني على السكون	
مدرسة	اسم ، مفرد، مؤنث، مشتق (اسم مكان)، معرب	مجرور به حرف جار

يُشَجِّعُ الْإِسْلَامُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى التَّفَكُّرِ.

يشجع	فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي، معرب ، متعد	فعل و فاعله «الاسلام» و الجملة فعلية
ال	حرف، غيرعامل ، مبني على السكون	
اسلام	اسم، مفرد، مذكر ، جامد، معرب	فاعل و مرفوع
المسلمين	اسم ، جمع سالم للمذكر ، مشتق(اسم فاعل)	مفعول و منصوب
على	حرف جر، عامل ، مبني على السكون	
التفكر	اسم ، مفرد، مذكر ، جامد، معرب	مجرور به حرف جار

التشكيل (حرکت گذاری)

منظور از تشکیل ، حرکت گذاری کامل کلمه است. برای این منظور ابتدا باید جمله را به شکل صحیح ترجمه کرد سپس با توجه به نقش هرکلمه اعراب یا حرکت مناسب برای آن در نظر گرفت.

نمونه تشکیل(حرکت گذاری)

المُعَلِّمُ يَدْرُسُ الدَّرْسَ ، لِلتَّلَامِيذِ . (المَعْلَمُ ، يُدْرِسُ، الدَّرْسَ ، لِلتَّلَامِيذِ)

اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ . (اللَّهُ، بَصِيرٌ، بِالْعِبَادِ)

تمرین: شكّل الكلمات المشار اليها بخط: (كلمات مشخص شده را حرکت گذاری کنید.)
الطالبة كتبت آية على اللوح.

الله وليّ المؤمنين.

القرآن يهدي الناس الى الخير.

هو مشغول بمطالعة الكتاب.

دانش آموزان عزیز برای مرور و یادآوری قواعد عربی لازم است در زمینه اعراب و تحلیل صرفی و تشکیل (حرکت گذاری) بسیار کار کنید. در واقع وقتی شما یک عبارت را تحلیل صرفی و اعراب می کنید معمولاً تمام قواعدی را که قبلاً آموخته اید مرور می کنید.

با آرزوی شاد کامی برای شما - میرکاظمی

Mirkazemi43@gmail.com

میرکاظمی